

دو فصلنامه آینده پژوهی ایران
سال اول، شماره‌ی اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تاکید بر قرآن و نهج‌البلاغه)

ایمان رکوعی*

چکیده

این مقاله، مهم‌ترین مفروضاتی را که وندل بل برای آینده‌پژوهی عنوان نموده، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. هدف از این ارزیابی، اعتبارسنجی مفروضات مذکور با آموزه‌های دین مبین اسلام و بویژه دو کتاب قرآن و نهج‌البلاغه می‌باشد. بدیهی است -نتیجه این ارزیابی هرچه که باشد- نمی‌تواند ملاکی برای رد و یا تایید مفروضات فوق براساس دیدگاه اسلام باشد. چراکه اولاً در این بررسی همه جوانب دین مبین اسلام مدنظر قرار نگرفته و ثانیاً، تلاش نگارنده براین بوده تا شاهد/ شواهدی از منابع مذکور، برای تایید برخی از مفروضات آینده‌پژوهی -به زعم خود- استخراج نماید. ازاینروی، چه‌بسا این امر، براساس دیدگاه‌های کارشناسی اسلام‌شناسان، قابل تایید نباشد. درهرصورت، دراین مقاله نشان داده شده است که اغلب مفروضات آینده‌پژوهی، قابل ارزیابی توسط آموزه‌های دین اسلام می‌باشد و ازاینروی می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظیر طیف زیادی از حوزه‌های علمی، برای علم آینده‌پژوهی نیز، اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی دارای دستورالعمل‌ها و اصول راهنمایی می‌باشد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، مفروضات، وندل بل، اسلام، قرآن، نهج‌البلاغه.

* پژوهشگر و دکترای آینده پژوهی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۶/۱۷

پست الکترونیکی نویسنده: irokoii@gmail.com

مقدمه

آینده پژوهی به عنوان یک رشته علمی نوپا نظیر سایر علوم، بر مفروضاتی بنا شده است. این مفروضات در اندیشه‌های بنیان‌گزاران و صاحب‌نظران عمدتاً غربی غیرمسلمان این رشته، از جمله وندل‌بل، ریچارد اسلاتر، هارولد لاسول و ... نمود یافته است. در این میان وندل‌بل، اندیشمند آمریکایی با انسجام و اهتمام بیشتری به این مهم اقدام نموده است. از سوی دیگر، دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی که طی نزدیک به پانزده قرن، به دینی جهان‌شمول و فراگیر تبدیل شده و توانسته پیروان متعددی را در سراسر جهان به خود جلب نماید، سرشار از آموزه‌های آشکار و پنهانی است که کاربردهای اساسی در مقوله‌های علمی داشته است.

در این مقاله تلاش شده تا با مرور مفروضاتی که وندل‌بل برای آینده‌پژوهی قائل شده، برخی از مهمترین آنها را انتخاب و با توجه به آموزه‌های ارزشمند دین اسلام، بویژه آیات قرآن و فرمایشات حضرت علی (ع) مندرج در نهج‌البلاغه مورد ارزیابی و اعتبارسنجی مقدماتی قرار دهیم. بدین منظور، ابتدا مروری مختصر خواهیم داشت بر رویکرد اسلام به آینده و پس از آن، با ارائه هریک از مفروضات آینده‌پژوهی، حتی‌المقدور تلاش خواهیم نمود تا شاهد/ شواهدی برای آنان از قرآن و نهج‌البلاغه ارائه نماییم. در ادامه نیز، به برخی از مفروضاتی که می‌تواند به عنوان مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه اسلام و یا مفروضات تکمیلی آینده‌پژوهی مطرح شوند، اشاره خواهیم نمود. در انتها نیز نتیجه‌گیری مختصری از مطالب ارائه شده در مقاله ارائه شده است.

نگاه اسلام به آینده

در اسلام آموزه‌ها و گنجینه‌های بی‌بدیلی برای هدایت و به تحرک واداشتن نسل‌های فعلی و آتی وجود دارد. اهمیت موضوع از این زاویه قابل تأمل است که بدانیم، اسلام ظرفیت جهانی‌شدن دارد و گزاره‌هایش آینده سازند. اسلام دینی است که ذاتاً، دین آینده و فراگیر بشری خواهد بود (کثیری، ۱۳۸۵).

از طرفی، غنای فرهنگ اسلامی برای ایجاد انگیزه، امید، معنا و هدف، کاملاً ایده‌آل و مناسب است. بحث «آخرالزمان» به عنوان موضوعی که در تمامی ادیان و مذاهب به نوعی مورد بحث قرار می‌گیرد، در اسلام دارای گزاره‌های مستند و متقن بسیاری از جمله ظهور امام عصر (عج) به عنوان نمونه‌ای از نگاه پرامید اسلام به آینده مطرح است. بدیهی است، این گزاره‌ها می‌توانند به عنوان منابعی برای مطالعات آینده‌پژوهانه مورد استفاده قرار گیرند.

یکی از این مفاهیم، «انتظار منجی» است که شهید مطهری درباره آن اعتقاد دارد، انتظار فرج و آرزو و امید بستن به آینده دوگونه است، انتظاری که سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین

و تحرک بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری که گناه است ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده و باید آنرا نوعی اباحه‌گری به حساب آورد (مطهری، ۱۳۷۳).

در اینجا ذکر این نکته حائز اهمیت است که طرح موضوع انتظار و ظهور امام مهدی سلام الله علیه با اصول آینده‌پژوهی - بویژه عدم قطعیت مطلق آن - منافاتی ندارد. چرا که بنا به آموزه‌های اسلامی وقوع ظهور آن حضرت قطعی است ولی زمان ظهور ایشان نامشخص است. نکته جالب اینکه زمان ظهور امام عصر (عج) بنا به آمادگی و خواست جامعه انسانی و خصوصاً شیعیان می‌تواند به تعجیل و یا به تأخیر بیافتد (نودهی، ۱۳۸۴). بدیهی است این مهم را می‌توان در راستای تأثیر آگاهی و اراده انسان‌ها برای رسیدن به آینده مطلوبشان و به عنوان تاییدی بر یکی از پیش‌فرض‌های مهم آینده‌پژوهی تفسیر نمود.

ارزیابی مفروضات آینده‌پژوهی بر اساس قرآن و نهج‌البلاغه

وندل بل در فصل سوم از جلد یک کتاب مشهور خود به نام مبانی آینده‌پژوهی، مفروضاتی را که لازم است آینده‌پژوهان مدنظر قرار دهند، به صورت فهرستی جامع و در دو دسته، مفروضات عمومی و مفروضات خاص آینده‌پژوهی تدوین نموده است (Bell, 2003, pp: 115-165).

به‌منظور ارزیابی این مفروضات از نگاه اسلام، لازم است تا منابعی را که اسلام برای تفکر پیرامون آینده معرفی نموده، بشناسیم. در اسلام، اندیشیدن به آینده ریشه در دو عامل مهم دارد. یکی عقل به عنوان عامل درونی (حجت باطنی) و دیگری تعالیم انبیاء الهی و بویژه قرآن، نهج‌البلاغه و اهل بیت به عنوان عامل بیرونی (حجت ظاهری) (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵). البته این دسته‌بندی به معنی تعارض میان عقل و دین و یا علم‌محوری و خدامحوری نیست، بلکه باید تاکید کرد در مکتب قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) این دو لازم و ملزوم هم برای شناسایی آینده می‌باشند (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۱).

بدین ترتیب در صورتیکه بخواهیم، مفروضات آینده‌پژوهی را از دیدگاه اسلام مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم، علاوه بر عقل به عنوان حجت باطنی، می‌باید به تعالیم انبیاء، قرآن، نهج‌البلاغه و اهل بیت به عنوان حجت ظاهری نیز مراجعه نماییم. با توجه به اینکه ارزیابی عقلایی مفروضات آینده‌پژوهی از محدوده این مقاله فراتر است، در این مقاله مفروضات آینده‌پژوهی با توجه به منابع قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.^۱

مفروضات عمومی

۱. شایان ذکر اینکه، در این بررسی لزوماً برای همه مفروضات آینده‌پژوهی شاهد/ شواهدی از قرآن. نهج‌البلاغه ارائه نشده است.

این مفروضات جنبه عمومی و کلی دارند و در بسیاری دیگر از حوزه‌های دانشی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند:

انسان‌ها پیگیر پروژه‌های خویش‌اند. آنها موجوداتی فعال، مصمم و هدف‌گرا هستند، برای خود پروژه‌هایی طراحی کرده و می‌کوشند به آنها برسند.

به نظر می‌رسد یکی از شواهدی که می‌توان نخستین پیش‌فرض عمومی آینده‌پژوهی را براساس آن مورد ارزیابی قرار داد، بخشی از نامه ۵۳ حضرت خطاب به مالک اشتر است که طی آن فرموده‌اند: «با بلند همتان بیوند».

این توصیه و یا دستور حضرت امیر به مالک، انسان‌ها را موجوداتی هدفمند و کوشا توصیف نموده که هرچه از همت والاتری برخوردار باشند، فعالیت و کارهای بیشتر و چشمگیرتری انجام می‌دهند و به‌عنوان کارگزارانی بلندهمت، کارها و مسئولیت‌هایی (پروژه‌هایی) را برعهده می‌گیرند. این‌گونه انسان‌ها، بسیار موفقتر از دون‌همتان می‌باشد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصولاً ارزش انسان به میزان همت آنان وابسته است (قوچانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷).

جامعه تشکیل شده است از:

الف) نمونه‌های مکرری از رفتارهای متقابل افراد

ب) جریان‌ات عادی و برنامه‌هایی که در چارچوب زمان، مکان، خاطرات، انتظارات، امیدها و نگرانی‌ها نسبت به آینده و تصمیم‌گیری‌های افراد شکل می‌گیرد.

این پیش‌فرض یکی از بدیهی‌ترین امور و یا ویژگی‌های بشری را مورد اشاره قرار داده است. از اینرو، به نظر می‌رسد تلاش برای یافتن شواهدی برای آن، منجر به نتیجه مشخص و مفید به فایده نگردد.

مفروضات خاص آینده‌پژوهی

این مفروضات خاص حوزه آینده‌پژوهی است و اگرچه ممکن است در سایر حوزه‌ها نیز مورد نظر باشد، لیکن در زمره باورهای آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد.

زمان به صورت یک طرفه و بی‌بازگشت به پیش می‌رود.

زمان از گذشته شروع شده، حال، لحظه‌ای کوتاه است و به سرعت به سوی آینده حرکت می‌کند. این‌که از دیرباز گفته‌اند: «گذشته، چراغ راه آینده است»، سخن درستی است. کسی که هدر دادن سرمایه‌های گذشته را بشناسد، برای جبران آن، آینده را پربارتر می‌سازد.

به فرموده امام علی(ع): «اگر از گذشته عمرت که تباهش کردی پند بگیری، باقی‌مانده آن را نگه خواهی داشت» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۱۵). در فرمایش حضرت، موضوع غیرقابل بازگشت بودن گذشته مورد تاکید قرار گرفته و از این‌روی به مسلمانان سفارش فرموده که گذشته را به‌عنوان منبعی برای درس‌گیری برای آینده مورد مطالعه قرار دهند و همه تلاش خود

را برای حضور پررنگ در آینده و ساختن آن بکار گیرند. چراکه در غیراینصورت به‌سادگی، نه‌تنها گذشته که آینده را نیز از دست خواهند داد.

همچنین در فرمایش دیگری از امیر مؤمنان (ع) چنین نقل شده است: «تو تنها به شمار روزهایی! هر روزی که بر تو می‌گذرد، بخشی از تو را با خود می‌برد» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۷۷).

به‌عبارت دیگر، هر لحظه ایام، سرمایه‌ای است که در حال سوختن است. به موازات این سوختن چه می‌سازیم و با دادن این ثروت، چه به دست می‌آوریم؟ این که ما هر لحظه در حال آب شدن و سوختن و پایان یافتنیم، حرفی شاعرانه نیست. حقیقت و حکمتی است که بر زبان فرزندان جاری شده است.

آینده متضمن تازگی است.

به‌عبارت دیگر هر چیزی که در آینده بوجود خواهد آمد، لزوماً هم‌اکنون وجود ندارد و یا در گذشته وجود نداشته است. بدین ترتیب امکان دارد آینده شامل مواردی باشد که پیش از آن هیچ سابقه‌ای نداشته است. این مساله، اندیشه‌های تازه، برداشت‌های تازه و واکنش‌های تازه را سبب خواهد شد.

تفکر پیرامون آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان ضروری است.

به‌عبارت دقیق‌تر، تفکر آینده‌نگرانه برای کنش انسانی آگاهانه یا ارادی ضروری است و یا واکنش بدون تفکر به آینده امکان‌پذیر است، درحالی‌که کنش امکان‌پذیر نیست. چراکه عمل نیازمند پیش‌بینی است. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، چشم‌اندازها، امیدها، نگرانی‌ها، آرزوها) جزء دلایل اقدامات کنونی ماست.

گواهی که براساس آن می‌توان پیش‌فرض فوق را مورد ارزیابی قرار داد، این سخن گوهربار حضرت امیر است که می‌فرماید «هر کس روزها (و روزگاران) را بشناسد، از آمادگی و ذخیره‌سازی غافل نمی‌شود» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۴۰۳). مطابق با این فرمایش، ویژگی دنیا و روزگار ایجاب می‌نماید تا مردم برای امور و فعالیت‌های خود دارای طرح و برنامه باشند.

همچنین در جای دیگر، ایشان تدبیر نیکو و طرح شایسته و برنامه‌ریزی مناسب برای آتیه را از نشانه‌های خردمندی می‌دانند، آن‌جا که می‌فرماید: «گویاترین دلیل و نشانه بر سرشاری عقل، تدبیر نیکوست» (آمدی، ج ۲، ص ۲۴۹).

آینده به‌صورت کامل از پیش مُعین و جبری نیست.

به‌عبارتی، آینده گشوده است و در جهت دادن به آن، فرصت‌ها و آزادی‌هایی وجود دارد. این پیش‌فرض صراحتاً بر این حقیقت تأکید دارد که آینده، پیشاپیش و بصورت غیر قابل اجتناب بر انسان‌ها تحمیل نشده است. آینده باز و خاتمه‌نیافتنی است.

خداوند در آیه ۲۰ از سوره مبارکه لقمان «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند!» یکی از مهمترین قابلیت‌هایی که انسان‌ها از آن برخوردارند را مورد اشاره قرار داده است. خداوند مواهب آسمان و زمین را مسخر انسان نموده و او نیز می‌باید با بکارگیری عقل، نبوغ و دانش از آنها در جهت تغییر وضعیت فعلی و ساخت آینده بهتر بهره‌برداری کند. در همین ارتباط حضرت علی(ع) فرموده است «آنچه فوت شد گذشت و آنچه که در آینده می‌آید کجاست؟ پس برخیز و غنیمت شمار فرصتی را که بین دو عدم (گذشته و آینده) واقع شده است^۱». نکته جالب اینکه در اسلام علی‌رغم تأکید بر ضرورت نگاه به آینده، مسلمین را از پرداختن صرف به آمال و آرزوها برحذر داشته و آنانرا به اغتنام فرصت‌های موجود و فعالیت و اقدام جدی برای ورود به آینده می‌نماید.

آینده متاثر از اقدامات جمعی و فردی انسان‌هاست.

یعنی انسان‌ها خود آینده را شکل می‌دهند و آینده متاثر از انتخاب‌هایی است که افراد در زندگی انجام می‌دهند. آنچه وضعیت فردی و آینده شخصی ما را ترسیم می‌کند، حتی آنچه سرنوشت اجتماعی ما را رقم می‌زند، عملکرد امروز ما در ارتباط با آینده است. چنین نیست که در وضع فردی و اجتماعی ما، سرنوشتی حتمی و تغییرناپذیر و خارج از اراده و خواست و عمل و انتخاب ما تقدیر شده باشد!

آیه «همانا خداوند، سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنها خود، خویشتن را دگرگون سازند»^۲ گویای این حقیقت است که تغییر سرنوشت اجتماعی یک ملت نیز، پیامد تغییری است که آنان در وضعیت خویش می‌دهند. دو تغییر است و دو تغییردهنده، تغییر در خویش و تغییر در سرنوشت گروهی. اولی را ما باید اقدام کنیم، تا دومی را خداوند، رقم بزند. به عبارتی اینگونه به نظر می‌رسد که عدم شناخت آینده به اراده و خواست حضرت حق باز می‌گردد. بدیهی است این امر نمی‌تواند به معنی جبرگرایی اسلام در تعیین سرنوشت انسان باشد.

شاهد قرآنی دیگر برای این پیش‌فرض، آیه ۴۶ از سوره کهف است که می‌فرماید: «و باقیات صالحات (ارزش‌های پایدار و شایسته) ثوابش نزد پرورگارت بهتر و امیدبخش‌تر است^۳». از

۱. اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَیْكُمْ نِعْمَةً ظٰهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یُّجَادِلُ فِی اللّٰهِ یَغَیِّرُ عِلْمًا وَّلَا هُدًی وَّلَا کِتَابًا مُّبِیْنًا.

۲. ما فات ماضی و ما سیاتیک فاین؟ قم فاغتنم الفرصة بین العدمین.

۳. سوره رعد، آیه ۱۱. «... اِنَّ اللّٰهَ لَا یَغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ...»

۴. و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً.

تفسیری که درباره این آیه ارائه شده، آمده است که تمدن‌ها به‌دست آینده‌اندیشان ساخته شده و مورد حفاظت قرار می‌گیرد. در توضیح این مطلب باید عنوان نمود که اصولاً، تمدن‌ها به‌دست افرادی که به آینده فکر می‌کنند و اعمال صالح و شایسته را برای آن به جا می‌گذارند، آغاز شده، رشد کرده و ادامه حیات می‌دهد. این افراد به نشر ارزش‌ها، آبادانی شهرها و رونق صنایع کمک می‌کنند و چیزهایی بر جا می‌گذارند که آیندگان از آن بهره می‌برند. ملتی که بیشتر آنچه را به دست می‌آورد، مصرف می‌کند و بیش از آنکه آبادانی و تمدن ایجاد نماید، تخریب می‌کند، فاقد تمدنی خواهد بود و بدون شک، سرنوشت او فراموشی است. اما در مقابل جامعه‌ای که عمل می‌کند و برای ماندگاری خود و آیندگانش تلاش و تولید می‌کند، سازنده و حافظ تمدن است. آنچنان‌که در حدیث داریم: «برای دنیایت چنان بکوش و تلاش کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند و برای آخرت چنان کن که گویی فردا خواهی مرد». در تفسیر نمونه پیرامون این آیه و واژه «باقیات صالحات» اشاره شده است که گرچه جمعی تلاش نموده‌اند، مفهوم «باقیات صالحات» را در دایره‌ی خاصی مانند نمازهای پنج‌گانه یا ذکر ... و امثال آن محدود کنند، ولی روشن است که مفهوم این تعبیر آنچنان وسیع و گسترده است که هر فکر، ایده، گفتار و کردار صالح و شایسته‌ای که طبعاً باقی می‌ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می‌گیرد را شامل می‌شود (علی بابایی، ۱۳۸۲)

علاوه بر آیات فوق از تفاسیر صورت‌گرفته برای آیه ۲۷ از سوره نوح «پروردگارا! احدی از این قوم بی‌ایمان را روی زمین مگذار! چرا که اگر بمانند بندگان تو را گمراه می‌کنند و نسل آینده‌ی آن‌ها نیز جز کافر و فاجر نخواهد بود»، چنین استنباط می‌شود که انسان‌های ملکوتی تصرف در آینده دارند.

همچنین می‌توان به آیات ۷۹ تا ۸۲ سوره کهف اشاره نمود که نمونه‌ای از آینده‌نگری حضرت خضر(ع) را در نقل ماجرای آن حضرت با حضرت موسی(ع) نشان می‌دهد.

نمونه دیگر آیه ۲۷ از سوره حج است که می‌فرماید: «و مردم را دعوت عمومی کن به حج تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر دوری به سوی تو بیایند»^۲

در توضیح آیات فوق باید عنوان نمود که در بسیاری از آیات قرآن کریم، به این مطلب برمی‌خوریم که انسان‌های ملکوتی (از انبیاء و ائمه گرفته تا اولیاء) در مکان و زمان تصرف دارند. آن‌ها به اذن خدا می‌توانند آینده را پیش‌بینی کرده و در سیر جریانات آن تأثیرگذار باشند. همچنان‌که در جریان نوح(ع) می‌بینیم که چون نسل‌های بعدی را کافر و فاجر می‌دید به اذن خدا زمینه تغییر و تحول آن‌ها را پدید آورد و حضرت خضر(ع) طی همراهی با موسی(ع)، کارهای عجیبی انجام داد که حاکی از علم او به آینده و قدرت تغییر در آن بود و همین‌طور

۱. رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیاراً انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجراً کفارا.

۲. و اذن فی الناس بالهج یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامریاتین من کل فج عمیق.

ابراهیم(ع) که خداوند در اعلام آسمانی او نسبت به حج یک اثر فرازمانی قرار داد تا اعلام جهانی او در همه زمان‌ها و مکان‌ها تا ابد تأثیرگذار باشد.

در تفاسیری هم که از این آیات ارائه شده چنین آمده است:

تفسیر المیزان: «در اینکه نوح از کجا فهمید که این‌ها دیگر ایمان نمی‌آورند و علاوه بر آن، بندگان خدا را که در آن محیط بودند گمراه می‌سازند و از این گذشته نسل آینده‌ی آنان نیز فاسد و مفسد است ... «نوح» از روی مجرای طبیعی و محاسبات معمولی به این حقیقت رسیده بود، زیرا قومی که نهصد و پنجاه سال با مؤثرترین بیانات تبلیغ شوند و ایمان نیاورند امیدی به هدایشان نیست و چون این گروه کافر، اکثریت قاطع را در اجتماع داشتند و همه امکانات در اختیار آن‌ها بود طبعاً برای اغوای دیگران کوشش می‌کردند و نسل‌های آینده چنین قومی قطعاً فاسد بوده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۵، ص ۸۹).

تفسیر نور: «فریاد امروز اولیای خدا، در آیندگان اثر خواهد کرد». (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۴)

از سوی دیگر حضرت علی(ع) در خطبه ۱۷۵، می‌فرماید «آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی که هرگز دروغ نمی‌گوید. ... در روز قیامت ندادنده‌ای بانگ می‌زند که: (آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده، جز اعمال منطبق با قرآن). پس شما در شمار عمل‌کنندگان به قرآن باشید، از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید و خویشتان را با قرآن اندرز دهید و رای و نظر خود را برابر قرآن متهم کنید و خواسته‌های خود را با قرآن نادرست بشمارید.»

امام علی(ع) همچنین بداقبالی و خوش اقبالی فردی و اجتماعی رانتیجه کارها و اقدامات انجام شده می‌داند. حضرت در این جمله خط بطلان بر بحث «شانس و اقبال» می‌زند و با این عبارت آنرا جزء امور واقعی نمی‌داند. براین اساس، هر آبادانی و خرابی ریشه در نتیجه کردار و کارهای انجام شده دارد. کار و تلاش خوب نتیجه خوب و کار و تلاش بد، نتیجه بد دارد.

درک آینده نیازمند یک دیدگاه کلی‌نگر و همه‌جانبه است.

در جهان نوعی کل‌گرایی و وابستگی متقابل وجود دارد که بیان‌گر رهیافت بین‌رشته‌ای در سازمان دانش برای تصمیم‌سازی و کنش اجتماعی است. وابستگی متقابل بین اجزای نظام هستی ایجاب می‌کند که هنگام تهیه اطلاعات برای اخذ تصمیم، به یک دید «کلی‌نگر» نیاز داشته و رویکردی چند سویه را در پیش گیریم. آینده‌پژوهان آنقدر جهان را به هم پیوسته

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۲. الافتوقعوا مایکون من ادبار امورکم

می‌بینند که معتقدند هیچ سیستمی یا هیچ جزئی از عالم را نمی‌توان صددرصد مجزا و منفرد در نظر گرفت، بلکه هر چیزی که در کانون توجه آینده‌پژوهان قرار می‌گیرد، به صورت یک سیستم باز در نظر گرفته می‌شود.

در این ارتباط در خطبه ۱۴۵ نهج‌البلاغه، حضرت علی (ع)، ارتباط اجزای مختلف هستی را بایکدیگر به خوبی تبیین فرموده‌اند: «ای مردم! شما در این دنیا هدف تیرهای مرگ هستید، که در هر جرعه‌ای اندوهی گلوگیر و در هر لقمه‌ای استخوان شکسته‌ای قرار دارد، در دنیا به نعمتی نمی‌رسید جز با از دست دادن نعمتی دیگر و روزی از عمر سالخورده‌ای نمی‌گذرد مگر به ویرانی یک روز از مهلتی که دارد و بر خوردنی او چیزی افزوده نمی‌شود مگر به نابود شدن روزی تعبی نشده و اثری از او زنده نمی‌شود مگر به نابودی اثر دیگر و چیزی برای او تازه و نو نمی‌شود مگر به کهنه شدن چیز دیگر و چیز جدید از او نمی‌روید، مگر به درو شدن چیزی دیگر، ریشه‌هایی رفتند که ما شاخه‌های آن می‌باشیم، چگونه شاخه‌ها بدون ریشه‌ها برقرار می‌مانند؟»

تعدادی از آینده‌ها بهتر از بقیه‌اند.

همیشه دیده‌های بهتر و بدتری وجود دارند. این مطلبی است بدیهی که در سایر رشته‌ها نیز مقبول است. این فرضیه برای آینده‌پژوهان بسیار حیاتی است، زیرا آنها «صراحتاً» به کشف آینده‌های بهتر و نیز آینده‌های ممکن و محتمل می‌پردازند.

به صورت عمومی، انسان‌ها علاقه و عادت دارند تا نتایج فعالیت‌های خود را حتی المقدور مطلوب و دلخواه ارزیابی نمایند. این ارزیابی بر مبنای ارزش‌هایی صورت می‌گیرد که افراد و گروه‌ها را در گزینش روش زندگی راهنمایی و هدایت می‌کنند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد بخشی از حوزه فعالیت‌های آینده‌پژوهی همانا مطالعه، تبیین، ارزیابی و تدوین چنین ارزش‌هایی است تا سایر آینده‌پژوهان و حتی سایر افراد بر اساس آنها، آینده‌های مختلف را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند.

اما از آنجا که آینده‌پژوهان نگاهی انسانی به مسائل دارند، به صورت بالقوه برخی از ارزش‌ها را به شرح ذیل مدنظر دارند:

کمیت و کیفیت زندگی بشری،

توجه به آزادی و رفاه بشر،

رضایت از زندگی و شادکامی،

توافق جمعی و صلح و آرامش،

تداوم، پایداری و اثربخشی ظرفیت‌های ادامه زندگی بر روی زمین

ثروت کافی (نه هنگفت)،
دانش و عاطفه،
فرصت کافی برای تشکیل خانواده،
شهامت،
ثبات قدم،
تعاون،
صداقت،
سخاوت،
مهربانی،
رابطه دوستانه،
امانت‌داری،

اعتماد و خودشناسی یا معرفت نفس.

در نهج‌البلاغه تعداد زیادی از ویژگی‌ها مطرح شده که می‌تواند به عنوان ویژگی‌های آینده‌پژوهان و در راستای پیش‌فرض شماره ۷ قلمداد شود. به‌عنوان نمونه، در خطبه ۱۰۲، حضرت علی(ع) ۱۰۲ تعدادی از ویژگی‌های مؤمنین را برشمرده است، ویژگی‌های برشمرده شده فوق را نیز می‌توان در راستای آن تفسیر نمود: «... و این روزگاری است که جز مومن بی‌نام و نشان از آن رهایی نیابد، در میان مردم است او را نشناسند و در میان جمعیت که نباشد کسی سراغ او را نگیرد، آنها چراغ‌های هدایت و نشانه‌های رستگاریند، نه فتنه‌انگیزند و اهل فساد و نه سخنان دیگران و زشتی این و آن را به مردم رسانند، ...»^۱

علاوه‌براین یکی از ویژگی‌هایی که در نهج‌البلاغه برای مدیران و سیاستمداران شایسته برشمرده شده، توجه به کل جامعه و جهت‌گیری برای خدمت به جامعه می‌باشد. این ویژگی که همان داشتن مسئولیت اجتماعی است، در کلام امیرالمؤمنین به‌صورت زیر بیان شده است: «شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز مدارید»^۲

داشتن آرمان نیز از دیگر ویژگی‌های مدیران است که حضرت در خصوص آن طی نامه ۶۶ خطاب به ابن عباس، یکی از کارگزاران سیاسی خود می‌نویسد: «بهترین چیز در نزد تو در دنیا، رسیدن به لذت‌ها یا انتقام گرفتن نباشد، بلکه باید خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد، تنها به توشه‌ای که از پیش فرستاده‌ای خوشنود باش و بر آن چه بیهوده می‌گذاری

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۲.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷.

حسرت‌خور و همت و تلاش خود را برای پس از مرگ قرار ده» (خسروی، ۱۳۷۸، صص ۱۳۲-۱۳۳)

پندگیری و عبرت از کار گذشتگان، یکی از عوامل آموزنده در اداره امور می‌باشد و با استفاده از مرور رفتارها و عواقب پیشینیان می‌توان امروز موفق‌تر عمل نمود. حضرت علی(ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس ای مالک بدان که ترا به دیاری فرستاده‌ام که پیش از تو داد و بیداد فراوان بر آن رفته است و مردم در کار تو همان‌گونه نظر خواهند کرد که تو در کار والیان پیش از خویش نظر می‌کنی و از تو همان خواهند گفت که تو درباره آنان می‌گویی. همانا که نیکوکاران را از سخنانی می‌توان شناخت که خدای درباره آنان بر زبان بندگان خود روان می‌سازد. پس کردار شایسته، نیکوترین اندوخته تو باد. بر هوسناکی‌ها چیره باش و دریغ‌دار که نفس خویش به چیزی کهنه حلال است بی‌الایی»^۱

همچنین آن حضرت در وصیت خود به امام حسن(ع) به‌عبرت گرفتن از کار گذشتگان امر می‌فرماید: «و بر دل خود داستان گذشتگان بخوان و سرگذشت پیشینیان یاد آور و بر دیار و آثارشان بگذر. پس بنگر که چه کردند و از کجا بر شدند و به کجا فرود آمدند و در کجا جای گزیدند. آنگاه بینی که از دوستان جدا ماندند و به‌دیار تنهایی فرود آمدند آنگونه که تو نیز پس از اندک زمان یکی از آنان خواهی بود»^۲

امام علی(ع) به کارگزاران خویش مؤکداً سفارش می‌کرد در مصرف بیت‌المال نهایت دقت و صرفه‌جویی را مراعات کرده و از اسراف و ریخت و پاش به شدت بپرهیزند. در اینجا به یک نمونه از دستور آن حضرت در مورد صرفه‌جویی در کاغذ هنگام نگارش نامه اشاره می‌کنیم: «قلم‌هایتان را تیز کنید و سطرهایتان را نزدیک هم بنویسید، از زیاده‌نویسی بپرهیزید، منظورتان را کوتاه‌تر بیان کنید. مبادا زیاده‌نویسی و پرحرفی نماید زیرا اموال مسلمانان زینانی را بر نمی‌تابد». صرفه‌جویی خود آن حضرت در بیت‌المال مسلمانان به حدی است که حاضر نشد برای پاسخگویی به کسانی که شب هنگام برای کار خصوصی به او مراجعه کرده بودند، از نور چراغ بیت‌المال استفاده کند و چراغ بیت‌المال را خاموش فرمود و از چراغ شخصی خود استفاده نمودند (خدمتی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

در جهت‌یابی مسیر درست زندگی فردی و جمعی، سودمندترین دانش، دانش و معرفت نسبت به آینده است.

این پیش‌فرض از این حقیقت ناشی می‌شود که گذشته، دیگر وجود ندارد و می‌باید خاتمه‌یافته تلقی شود. البته بدیهی است هرچه حقایق بیشتری درباره گذشته بدانیم، می‌توانیم درس‌های بیشتری هم از آن درباره آینده بگیریم و به برداشت‌های تازه‌ای از گذشته برسیم و افکار خود

۱. نهج‌البلاغه: نامه ۵۳.

۲. نهج‌البلاغه: نامه ۳۱.

را پیرامون آن اصلاح کنیم، اما به هر حال نمی‌توانیم گذشته را تغییر بدهیم. اما حکایت آینده فرق می‌کند. آینده هنوز پیش نیامده است. آینده شاید در پرتو اراده و اقدامات ما ساخته شود. حتی می‌توان حوادث آتی را که خارج از کنترل آدمی است (در صورتیکه پیش‌بینی شوند) به‌طور موفقیت‌آمیزی جرح و تعدیل کرد. آدمی برای آنکه بتواند «مسیر درست» و کارآمد را در زندگی بیابد، ناگزیر از تأمل و تفکر پیرامون آینده است. مردم آگاهانه یا ناآگاهانه به‌صورتی مشروط و اصلاح‌پذیر، پیش‌بینی کرده و براساس آن اقدام می‌کنند. به‌طورکلی، هر چه این پیش‌بینی‌ها دقیق‌تر و بهتر باشد، اقداماتشان موثرتر خواهد افتاد.

یکی از آیاتی که می‌تواند، برای ارزیابی این پیش‌فرض آینده‌پژوهی مدنظر قرار گیرد، آیه ۲۴ از سوره مبارکه بقره است. «پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنجهکار) و سنگها [=بتها] است، و برای کافران، آماده شده است!» و یا آیه شریفه که می‌فرماید «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!»

درقرآن، اهل ایمان ملزم به نگاه به آینده هستند و می‌باید شیوه زندگی خود را در این دنیا، برای ورود به آینده برنامه‌ریزی و تنظیم نمایند. دراین ارتباط به عنوان نمونه می‌توان به داستان حضرت یوسف و پیش‌بینی که برای سال‌های خشکسالی توسط آن حضرت انجام پذیرفت و در آیات ۴۷ تا ۴۹ سوره یوسف، نقل گردیده، اشاره نمود. «گفت: هفت سال با جدیت زراعت کنید و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید، پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید می‌خورند جز کمی که ذخیره خواهید کرد. سپس سالی فرا می‌رسد که باران فراوانی نصیب مردم می‌شود و سالی پربرکت خواهد بود» دراین آیات به حضور نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی (صالحان) اشاره شده و در واقع یوسف(ع)، به عنوان یک رهبر از گوشه‌ی زندان برای آینده‌ی یک کشور برنامه‌ریزی کرد و یک طرح چند ماده‌ای حداقل برای ۱۵ سال بعد به آن‌ها ارایه داد و ما به وضوح حضور فرزندان و نسل‌های آتی را در این نوع تصمیم‌گیری می‌بینیم. در تفاسیر مختلفی که برای این آیات، ارائه شده، چنین آمده است:

تفسیر نمونه: «سیاست اقتصادی یوسف(ع) در مصر نشان داد که یک اقتصاد اصیل و پویا نمی‌تواند همیشه ناظر به زمان حال باشد، بلکه باید آینده و حتا نسل‌های بعد را نیز در برگیرد، و این نهایت خودخواهی است که ما تنها به فکر منافع امروز خویش باشیم و مثلاً همه

۱. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّقُوا نَفْسَ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

۳. قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم ... يعصرون.

منابع موجود زمین را غارت کنیم و هیچ به فکر آیندگان نباشیم که آن‌ها در چه شرایطی زندگی خواهند کرد. مگر برادران ما تنها همین‌ها هستند که امروز با ما زندگی می‌کنند و آن‌ها که در آینده می‌آیند برادر ما نیستند» (علی بابایی، ۱۳۸۲).

تفسیر نور: «آینده‌نگری از اصول مدیریت است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۴۹) و «آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه‌ی مدیریت کشور است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۹۱).

تفسیر المیزان: «وقتی ما در کلام یوسف (ع)... دقت و تدبیر می‌کنیم، درمی‌یابیم که زمینه و اساس گفتار آن حضرت، پیش‌گویی و خبردادن از آینده نبوده و نخواستہ دریچه‌ای به روی آینده باز کند تا مردم مصر بدانند هفت سال فراوانی و هفت سال قحطی در پیش دارند، چراکه اگر منظورش این بود، جا داشت مثلاً بگوید: یاتی علیکم سبع مخصبات ثم یاتی من بعدها سبع شداد یذهبن بما عندکم من الذخائر: هفت سال فراوانی بر شما می‌آید، آنگاه بعد از آن هفت سال قحطی می‌آید که آنچه را شما ذخیره کرده‌اید از بین می‌برد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۱۱، ص ۲۶۱).

آیه دیگری که می‌توان براساس آن نیز، پیش‌فرض فوق را مورد ارزیابی قرار داد، در سوره انفال قرار داد. در آیه ۱۷ از این سوره آمده: «و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آن‌ها) انداختی بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند». مضمون این آیه این است که فتوحات گذشته نباید باعث غرور و غفلت از آینده شود. در منطق اسلام نگاه به گذشته، در صورتی ستودنی است که به عبرت‌آموزی و کسب تجربه بیانجامد والا غرق شدن و سرمست گشتن در فتوحات و کامیابی‌های گذشته، غالباً منجر به عدم برنامه‌ریزی صحیح برای آینده می‌شود. قرآن با بیان این مطلب، به جامعه‌ی اسلامی هشدار می‌دهد که اگر در گذشته پیروزی‌هایی به دست آورده‌اید، به واسطه‌ی عنایات الهی بوده و اگر به تداوم این پیروزی‌ها در آینده می‌اندیشید، آن‌ها را تابع مشیت الهی بدانید و انگیزه خود را برای آینده خالص و الهی بگردانید.

همچنین در تفسیر المیزان درباره این آیه چنین آمده است:

المیزان: «بلاء در اصل به معنای آزمایش کردن است منتهی گاهی بوسیله نعمت‌هاست که آن را «بلاء حسن» می‌گویند و گاهی بوسیله مصیبت‌ها و مجازات‌هاست که به آن «سوء» گفته می‌شود، چنانکه درباره بنی‌اسرائیل می‌خوانیم: «وبلونا هم بالحسنات و السیئات».

خدا می‌خواست در این نخستین برخورد مسلحانه‌ی مؤمنان با دشمنان نیرومند (جنگ بدر)، طعم پیروزی را به آن‌ها بچشاند و نسبت به آینده امیدوار و دلگرم سازد. این موهبت الهی آزمونی برای همه آن‌ها بود، ولی هرگز نباید آن‌ها از این پیروزی نتیجه منفی بگیرند و گرفتار

غرور شوند، دشمن را کوچک بشمرند، خودسازی و آمادگی را فراموش کنند و از اتکای به لطف پروردگار غفلت نمایند ... و در آینده نیز خدا بر طبق نیات و میزان اخلاص و اندازه‌ی پایمردی و استقامت مسلمانان با آن‌ها رفتار خواهد کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۷، ص ۱۱۶)

علاوه بر آیات فوق در فرمایشات حضرت علی(ع) هم به دفعات می‌توان شواهدی در ارتباط با این پیش‌فرض آینده‌پژوهی سراغ گرفت:

خطبه ۱۵۴: «بینا دل خردمند، پایان خویش می‌بیند و پست و بلند و نشیب و فراز خود را می‌شناسد»^۱

خطبه ۱۱۳: «هیچ چیز بدتر از شر و بدی نیست جز کیفر و عذاب آن و هیچ چیز نیکوتر از خیر و نیکی وجود ندارد جز پاداش آن، همه چیز دنیا شنیدن آن بزرگتر از دیدن است و هر چیز از آخرت دیدن آن بزرگتر از شنیدن است، پس کفایت می‌کند شما را شنیدن از دیدن و خبر دادن از پنهانی‌های آخرت»^۲

خطبه ۱۵: «شما ای عرب‌ها، هدف تیرهای بلا هستید که نزدیک است، از مستی‌های نعمت بیرهیزید»^۳

خطبه ۱۷۵: «عمل صالح! عمل صالح! سپس آینده‌نگری! آینده‌نگری! و استقامت! استقامت! آنگاه، بردباری! بردباری! و پرهیزکاری! پرهیزکاری! برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیینی نشده، با نیکوکاری بدانجا برسید و همانا پرچم هدایتی برای شما برافراشتند، با آن هدایت شوید و برای اسلام نیز هدف و نتیجه‌ای است به آن دسترسی پیدا کنید و با انجام واجبات، حقوق الهی را ادا کنید، که وظائف شما را آشکارا بیان کرده و من گواه اعمال شما بوده و در روز قیامت از شما دفاع می‌کنم و به سود شما گواهی می‌دهم»^۴

همچنین از ایشان نقل شده است که «صبحگاهان برای آن که دو چشم بینا دارد روشن است»^۵.

از آنجا که هیچ شناخت کاملی نسبت به آینده وجود ندارد، در خصوص آینده نه بر مبنای واقعیات بلکه براساس احتمالات می‌توان عمل کرد.

این تناقض در بطن آینده‌پژوهی نهفته است که هرچند تنها شناخت واقعاً سودمند، شناخت مسیر زندگی در جهان آینده است، اما به معنی دقیق کلمه باید گفت که هیچ شناختی نسبت به آینده وجود ندارد. اگرچه واقعیت‌هایی در گذشته، انتخاب‌هایی برای حال و احتمالاتی برای

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۵۴.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۱۳.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۵۱.

۴. نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵.

۵. نهج البلاغه: حکمت ۱۶۹.

آینده وجود دارد، اما برای گذشته، احتمال بی‌معنی است و برای آینده هم امر مسلمی وجود ندارد.

تناقضی که آینده‌پژوهان برای حل آن مجاهده می‌کنند عبارتست از: نیاز به شناخت امری قبل از وقوع که عمدتاً تا بعد از وقوع، ناشناخته و غیرقابل درک است. همین شکاف است که آینده‌پژوهان می‌کوشند آنرا با شناختی حدسی یا جایگزین پرکنند. آینده‌پژوهان در مورد آینده، صرفاً به اظهاراتی مشروط، اصلاح‌پذیر و تقریباً خاص اکتفا می‌کنند. مثلاً می‌گویند اگر شما کاری نکنید، احتمالاً چنین چیزی روی خواهد داد و یا چنانچه شما اقدامات «الف» و «ب» را انجام دهید، شاید اتفاق «پ» بیافتد و آینده‌پژوهان سعی می‌کنند چنین اظهاراتی را براساس واقعیت و منطق استوار ساخته و کاری کنند تا آن اظهارات «احتمالاً درست» از کار درآیند. اما درعین حال می‌دانند که وقتی آینده تبدیل به حال شود، ممکن است چنین اظهاراتی «نهایتاً درست» از کار درنیاید، زیرا آینده نامشخص است. آینده، پیچیده و نامعلوم است و نه می‌توان آن را مشاهده کرد و نه می‌توان مستند و آشکار ساخت.

درارتباط با این پیش‌فرض می‌توان به آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف اشاره نمود که خداند در این آیات می‌فرماید «هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می‌دهم»...» (۲۳) مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (۲۴)^۱

و یا در آیه ۳۹ از سوره رعد خداوند چنین فرموده است «خداوند هرچه را بخواهد محو، و هرچه را بخواهد اثبات می‌کند و «ام‌الکتاب» (لوح محفوظ) نزد اوست^۲». از این آیه چنین برداشت می‌شود که جهل بر آینده به اراده الهی است. به عبارتی خداوند اراده فرموده تا خلایق با جهل به حوادث آینده زندگی کنند تا به ضروریات زندگی خود توجه کنند، چون اگر عالم باشند دیگر هدایت اسباب عادی را نخواهند پذیرفت و دو اصل اساسی زندگی که همان خوف و رجا است از اعتبار می‌افتد و تلاش برای زندگی و سازندگی آینده متوقف خواهد شد. در تفاسیر این آیه نیز چنین آمده است:

تفسیر المیزان: «زراره از حضرت ابی‌جعفر(ع) روایت کرده که فرمود: علی‌این‌الحسین همواره می‌گفت اگر آیه‌ای از کتاب خدا نبود، هر آینه شما را به آنچه که بوده و آنچه که تا قیامت خواهد شد خبر می‌دادم؛ پرسیدم کدام آیه؟ فرمود: آیه یمحوالله ... آری اگر حوادث آینده به طور کامل برای آنها (انسان‌ها) هویدا و مشکوف شود، این غرض الهی که ادامه زندگی عادی بشر است، فاسد می‌شود؛ و شده است که امام از آینده خبر ندهد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۱۱، ص ۵۲۱).

۱. وَ لَآ تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَٰلِکَ غَدًا (۲۳) إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللَّهُ وَ اذْکُرْ رَبَّکَ إِذَا نَسِیتَ وَ قُلْ عَسَیْ أَنْ یَهْدِیَنِّی رَبِّی لَأَقْرَبُ مِنْ هَٰذَا رَشْدًا (۲۴)

۲. یمحوالله ما یشاء و یشبث و عنده ام‌الکتاب.

تفسیر نور: «حضرت علی علیه السلام ذیل آیه فرمودند: «من قدم الی قدم» یعنی انسان یک گام که برمی‌دارد، از گام آینده خود خبر ندارد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۲۹۳).

همچنین مطابق با آیات ۱۶ و ۱۷ سوره حجر آینده را می‌توان نوری قدسی در نظر گرفت که دشمنان حق از درک آن عاجزند. «ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان آراستیم و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم»^۱

به نظر می‌رسد آینده، معمایی است که حتی شیاطین جنی و انسی نیز در صدد راهی به سوی کشف آن هستند و مراجعه به آیات و روایات به خوبی این مطلب را می‌رساند که خداوند آگاهی حقیقی پیرامون آینده را از این طایفه گرفته است.

اینکه می‌بینیم علم غیب واقعی و آینده‌بینی قدسی به‌طور مطلق در اختیار ذات باری، و به‌طور نسبی در اختیار معصومین قرار دارد، در حد نازل‌تری نیز در اختیار اولیاء خدا قرار گرفته و بنا بر دستورات اسلام، مسلمانان نیز می‌توانند با نیت و انگیزه‌های الهی و اعمال خالصانه، آینده دنیوی و اخروی خود را سعادت‌مندانه رقم بزنند در صورتیکه دشمنان حق از این امر مستثنی هستند؛ این است که آینده برای آن‌ها روشن نیست.

ضمناً در تفاسیر ارائه شده از این آیات می‌خوانیم:

تفسیر المیزان: «آسمان را از هر شیطان رانده شده حفظ کردیم و از این جهت حفظ کردیم که شیاطین از آنچه که در ملکوت عالم است خبردار نشوند مگر آن شیطانی که برای استراق‌سمع نزدیک شود تا گفتگوی ملائکه را درباره امور غیبی و حوادث آینده و امثال آن را بشنود که به محض نزدیک شدن شهابی مبین دنبالش می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۱۲، ص ۲۰۲).

تفسیر نمونه: «منظور از نزدیک شدن شیاطین به آسمان و «استراق‌سمع» و طرد شدن آن‌ها به وسیله «شهب» این است که شیاطین هرگاه بخواهند به عالم فرشتگان نزدیک شوند تا از اسرار خلقت و حوادث آینده با خبر گردند به وسیله نور ملکوت که، طاقت تحمل آن را ندارند، طرد می‌شوند» (علی‌بابایی، ۱۳۸۲)

علاوه بر آیات پیش‌گفته، حضرت علی(ع) هم در خطبه ۱۰۲، می‌فرماید «ای مردم! به دنیا چونان زاهدان رویگردان از آن، بنگرید، به خدا سوگند! دنیا به زودی ساکنان خود را از میان می‌برد و رفاه‌زدگان ایمن را به درد می‌آورد، آنچه از دست رفت و پشت کرده هیچگاه بر نمی‌گردد و آینده به روشنی معلوم نیست تا در انتظارش باشند. شادی و سرور دنیا با غم و اندوه آمیخته و توانایی انسان به ضعف و سستی می‌گراید، زیبایی‌ها و شگفتی‌های دنیا شما را

۱. ولقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناهاً للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم

مغرور نسازد، زیرا زمان کوتاهی دوام ندارد.^۱». همانگونه که در این فرمایش گوهر حضرت می‌بینیم، مجهول بودن آینده مورد اشاره قرار گرفته است.

مفروضات تکمیلی آینده‌پژوهی از نگاه اسلام

از آنجا که نگاه به آینده و درنگاه علمی آینده‌پژوهی، به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تدوین الگوی توسعه هر کشوری مطرح می‌باشد، لازم است تا برای کشوری نظیر ایران، که دین اسلام در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی لایه‌های مختلف آن تاثیرگذار بوده است، مفاهیم و مفروضات آینده‌پژوهی متناسب با جهان‌بینی اسلام، مورد بازنگری و بازتعریف قرار گیرد. به‌طور خلاصه اگر گونه‌های مختلف آینده‌پژوهی را به سه دسته، آینده‌پردازی آرمانشهری، ترسیم خط سیر تمدن آینده (فلسفه تاریخ) و تحلیل آینده برپایه داده‌های صنعتی و فن‌شناختی تقسیم کنیم، (اکرمی، ۱۳۸۷) در اسلام گزاره‌های حیاتی و مهمی برای بخش‌های اول و دوم وجود دارد. برای بخش سوم نیز اگر نگاه به آن متمرکز بر حوزه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی باشد، اسلام دارای گزاره‌های ویژه و مهمی می‌باشد. در این قسمت به مبانی و اصولی پرداخته می‌شود که مطابق با دیدگاه اسلام، لازم است آینده‌پژوهان آنها را مدنظر قرار دهند. این اصول سطح و عمق ممتازی به مطالعات آینده‌پژوهی می‌بخشد و در عین حال برخی جوانب اصول آینده‌پژوهی عرفی را نیز تکمیل می‌نماید: (عظیمی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۵-۱۲۹)

آینده انسان انتها ناپذیر و ابدیست. به استناد منابع علوم اسلامی امتداد و جریان حیات انسان، ابدی بوده و به پایان حیات این دنیا منتهی نمی‌شود. اهمیت مطلب در اینجاست که آن آینده ابدی متأثر از فرآیند زندگی دنیوی او می‌باشد.

گرچه انسان در یک چارچوب مشخص امکان تصرف در آینده را دارد ولی اراده او در ساخت آینده در طول اراده الهی قرار می‌گیرد. عالم خلقت براساس قوانین تکوینی الهی طراحی شده است که در آن میان انسان دارای ویژگی‌های ممتازی چون عقل، اختیار و روح الهی؛ نسبت به سایر مخلوقات بوده است. کشف قوانین تکوینی و بهره‌گیری از آنها می‌تواند اوج بهره‌گیری از طبیعت را برای انسان به ارمغان داشته باشد. اما با توجه به تمایز انسان از سایر مخلوقات، خداوند برای تضمین حداکثر بهره‌گیری انسان از عالم هستی؛ و در راستای هدف خلقت او، به ابلاغ قوانین تشریحی پرداخته است. بنابراین بکارگیری اراده انسانی درکشف و فهم قوانین تکوینی (علم و فناوری) و قوانین تشریحی (نهادهای) و فلسفه خلقت، می‌تواند انسان را در جهت تسخیر آینده امن و پایدارش راهنمایی نماید.

برخی آینده‌ها قطعاً وقوع خواهند یافت؛ همچنانکه بنا به استدلال‌ات و روشمندی‌های موجود در حوزه علوم طبیعی و انسانی وقوع برخی رویدادها اثبات شده و بدیهی می‌باشند. به عنوان نمونه: در ستاره‌شناسی پایان یافتن عمر خورشید قطعی است. در جمعیت‌شناسی، پیرشدن جمعیت و یا وقوع مرگ انسان -پایان زندگی دنیوی او- محرز است. در علوم اسلامی نیز بنا به استدلال‌ات و روشمندی‌های خاص خود وقوع رستاخیز (معاد) و در ادامه حیات ابدی انسان و یا ظهور آخرین منجی بشریت، اثبات شده می‌باشند. بدیهی است در هیچ کدام از موارد فوق، زمان و وقوع و یا کیفیت وقوع آنها دقیقاً مشخص نمی‌باشند، لیکن بنا به تناسب اهمیت و تأثیرگذاری هریک از رویدادهای فوق در آینده جامعه و فرد، می‌بایست به کسب آمادگی‌های لازم برای ورود به آینده، پرداخت.

از دیگر اصولی که می‌توان برای آینده‌پژوهی از نگاه اسلامی قائل شده این است که قرآن و تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام)، اطلاعات مفیدی -که گاهی از آن به سنن الهی تعبیر می‌شود- را برای ساخت آینده مطلوب انسان‌ها در اختیار قرار می‌دهند که می‌تواند برای تحلیل سیر تاریخ بشری مورد استناد قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی مفروضات آینده‌پژوهی به دست می‌آید، مؤید این مهم است که اصرار برخی از مترجمین در القای آینده‌پژوهی به عنوان یک علم سکولار مطلق، نمی‌تواند با آنچه که در واقعیت این علم نهفته است، هم‌خوانی قابل درک داشته باشد. به عبارت دیگر، حتی اگر متفکرین غیرمسلمان غربی علم آینده‌پژوهی که شخصاً سکولار و یا حتی ملحد می‌باشند، نسبت به تبیین و تدوین مفروضات آینده‌پژوهی اقدام نموده باشند، باز هم نمی‌توان ادعا نمود که این علم نوپا اساساً، سکولار یا الحادی است. چه اینکه مطابق با بررسی‌های مقدماتی اولیه صورت‌گرفته، که در این مقاله خلاصه‌ای از نتایج آن ارائه شد، بسیاری از مفروضات آینده‌پژوهی توسط گزاره‌های مطرح شده در دین مبین اسلام و آن‌هم در عالی‌ترین سطح و مقدس‌ترین کتب این دین، دست‌کم قابل ارزیابی و شاید تایید -حتی توسط علمای دین اسلام- باشد.

کتاب‌نامه

۱. ابن یعقوب کلینی، محمد (۱۳۶۴)، اصول کافی، بنیاد رسالت.
۲. اکرمی، موسی، (۱۳۸۷)، آینده‌شناسی و آینده‌نگاری، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶، تابستان.
۳. ابن شعبه. حسن ابن علی، (۱۳۸۲) تحف العقول، ترجمه حسن‌زاده، صادق، انتشارات آل علی (ع)، قم.
۴. خدمتی، ابوطالب و دیگران، (۱۳۸۱)، مدیریت علوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۵. خسروی. محمود (۱۳۷۸)، ملاک‌های انتخاب و انتصاب نیروی انسانی در مدیریت اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. طباطبائی (ره)، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ قمری) المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر قرآن به قرآن اجتهادی و فلسفی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ پنجم.
۷. عظیمی. علی‌اکبر و همکاران، (۱۳۸۷)، درآمدی آینده‌پژوهی در بخش کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای مختلف، تهران، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۸. علی بابایی. احمد، (۱۳۸۲) گزیده‌ی تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سیزدهم.
۹. عبد الواحد بن محمد، (بی‌تا)، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و ترجمه: رجایی. مهدی، قم، دار الکتب الاسلامی.
۱۰. قرائت، محسن، (۱۳۸۳) تفسیر نور، تفسیر اجتماعی و تربیتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم.
۱۱. قوچانی. محمود، (۱۳۷۴)، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، شرح عهد نامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) به مالک اشتر، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۲. کتیری، حمید، (۱۳۸۵)، دین آینده و آینده دین، پانزدهمین نشست از نشست‌های ماهانه فرهنگ مهدوی، تهران، دی‌ماه.
۱۳. مطهری. مرتضی، (بی‌تا)، قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا.
۱۴. نودهی، علیرضا، (۱۳۸۴)، نظریه اختیاری بودن ظهور، تهران: انتشارات موعود عصر (عج).
۱۵. نهج‌البلاغه. علی ابن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

16. Bell, Wendell (2003, Paperback edition) Foundations of Futures Studies I: History, Purposes, Knowledge. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers, 1997, chapter 3: Assumptions of Futures Studies.